



www.hekmatist.com
www.partowtv.com - partow.tv@gmail.com

تشکیلات بریتانیا حزب حکمتیست فعالین حزب حکمتیست بساط مراسم ۲۲ بهمن جمهوری اسلامی را برچیدند!

امروز ۱۱ فوریه در لندن، جمهوری اسلامی کفراسی را تحت عنوان "انقلاب ۵۷ شوکی که به دنیا وارد آمد"، در دانشگاه لندن تدارک دیده بود. سازماندهی این کفرانس از طرف "اهل بیت" و "پرس تی وی" (تلویزیون جمهوری اسلامی) به زبان انگلیسی و بخشا فارسی بود.

قرار بود در این کفرانس انقلاب ۵۷ را از منظر جمهوری اسلامی بررسی کنند. قرار بود این کفرانس تریبونی برای دفاع از جمهوری اسلامی و "دستورد" هایش باشد. قرار بود انقلاب برحق مردم علیه رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب سی سال پیش، بهانه ای شود که مفسرین و جیره خواران جمهوری اسلامی حاکمیت سه دهه نظام خود را با آن مشروعیت بخشند. قرار بود "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین دست چندم مجامع تحصیل کرده اعلام کنند که منشا



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۳ بهمن ۱۳۸۸
۱۲ فوریه ۲۰۱۰

اسد گلچینی

۲۲ بهمن ۸۸ و چپ

انتظار و توقعی که بخش بسیار بزرگی از نیروهای چپ و سازمانهایش از ۲۲ بهمن ۸۸ دارند یک تراژدی است.

توقع و انتظار چپ ایران غرق در خلق گرایی این است که توده های مردم به جان آمده، جمهوری اسلامی را در ۲۲ بهمن ۸۸ به پرتگاه ببرند. بعضا هم دیده میشود که میخواهند زمینه قدرت گیری و انقلاب سوسیالیستی مورد نظرشان را برایشان فراهم کنند. اتکا این چپ به روندی است که در شعارهای رادیکال عاشورا ادامه یافت و قهرمانی های بسیاری را شاهد بودیم. اینها اتکا به جنبشی دارند که خواه از رهبریش سبقت بگیرد یا نه، کماکان زیر چتر و تحت هدایت جنبش سبز است.

آیا نیروهای چپ از انقلابی ترین تا کارگری ترین آنها، فراخوان مستقلی در باره ۲۲ بهمن داده اند؟ به مردم، کارگران، زنان، جوانان و "جنبش کردستان" که جملگی مرکز توجه چپ است، فراخوانی به فعالیت معینی در این روز داده شده است؟ به مردمی که از آنها حرف شنوی دارند و یا در تشکیلات آنها سازمان یافته اند گفته اند که در ۲۲ بهمن زمینه انقلاب مورد نظرشان را فراهم کنند؟ اگر حتی یک مورد از این نوع فراخوان وجود ندارد این سازمانها و رهبران

صفحه ۳

به قدرت رسیدن رژیم اسلامی قدرت مذهب در میان مردم، بی علاقگی به مدرنیسم و غربی گرایی بود. قرار بود اعلام کنند که دولت و جنبش اسلامی محصول انقلاب ۵۷ بود نه سلاحی علیه این انقلاب و برای سرکوب آن. آمده بودند سلاحی مخالفان حکومت را به گردن "باند ها و محافل متفرقه" بیندازند و از جمهوری اسلامی ایران و رهبر و رئیس جمهور و مجلس و مقننه و قضائیه و کلیینه و وزارت اطلاعات و حقوق بگیران نظام شان رفع مسئولیت کنند. آمده بودند نسل کشی ها و اعدام ها و سنگسار ها، گورهای بدون نشان، کارگران بدون معاش، زنان بدون حق، جوانان بدون

صفحه ۲

را در حمایت از اپوزیسیون جمهوری اسلامی و علیه توطئه تروریستی این کشور و همکاری اینترپل اعلام کرده اند. سازمان رهائی زن و مرکز نگهداری حقوق بشر در فراخوان خود همه آزانخواهان در دنیا را دعوت کرده اند که در مقابل توطئه جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون این رژیم که سالهاست علیه حکومت استبدادی جمهوری اسلامی و برای جامعه ای سکولار و متمدن مبارزه میکنند و علیه اقدام مشترک جمهوری اسلامی و اینترپول اعتراض کنند. نامه اعتراضی این کمپین به اینترپل از طرف ۲۱۰ نفر از شخصیتهای شناخته شده سیاسی، ژورنالیست، اجتماعی و فرهنگی از کشورهای عرب زبان ساکن مراکش، سودان، مصر، تونس، عراق، لیبی، اردن، سوریه،

صفحه ۲

کمیته در کشورهای عربی زبان در حمایت از اپوزیسیون ایران و اعتراض به اینترپل

سازمان رهائی زن در ایران همراه با مرکز نگهداری حقوق بشر در عراق کمپینی

مظفر محمدی

براداران، تیراندازی نکنید! در حاشیه بیانیه شیرین عبادی

ملت، مردم، برادران و خواهران هم وطن و ...، مفاهیمی هستند که در ادبیات جمهوری اسلامی چی ها از چپ و راست، در حاکمیت و در اپوزیسیون و روشنفکران شان مداوما تکرار می شود.

شیرین عبادی در بیانیه صلح طلبانه اش همه ملت و مردم و خواهران و برادران هم وطن از جوانانی که به خیابان می آیند تا خامنه ای برادر و احمدی نژاد و دیگر برادران پاسدار و بسیج را قسم می دهد که از خشونت بپرهیزند. شیرین عبادی، ختمی، رفسنجانی، شیرین عبادی و دیگر همکارانشان در میبای جهانی مانند بهنود و بیگران اکنون در مسند واعظان صلح و برادری و آشتی نشسته اند و قربانیان خود را سرزنش می کنند که چرا در مقابل گلوله نولتی ها

صفحه ۲

هاله طاهری

شهرام همایون به لیست تحت تعقیب تروریسم اسلامی اضافه شد

پشت پرده "دمکراسی" در عراق: بر زنان چه میگذرد؟

صفحه ۴

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فعالین حزب حکمتیست....

رادیكال و عاصی از نظم موجود سمبل مبارزه علیه جناح های سبز و سیاه بورژوازی، یکبار دیگر نشان دادیم که به جمهوری اسلامی اجازه ابراز وجود نخواهیم داد.

از همان لحظات اول تریبون کنفرانس به دست حکمتیست ها افتاد و کنفرانس به افشاگری و شعار علیه سی سال حاکمیت رژیم تبدیل شد. حمایت نسل جوان و شرکت کنندگان از این حرکت اعتراضی تماشایی بود. با صدای رسا یکبار دیگر به جهان اعلام کردیم که باید جمهوری اسلامی را با سران سبز و سپاهش، با خامنه ای ها و خاتمی ها و رفسنجانی ها و موسوی ها که آمرین و عاملین اصلی سه دهه جنایات علیه بشریت اند بر صندلی اتهام بنشانیم.

برگزارکنندگان کنفرانس برای مقابله با آزادیخواهان پای پلیس را به میان کشیدند. پلیس "میاجی" بود و کنفرانس برای منتهی به تعطیلی کشیده شد. با دخالت پلیس و شناسایی کردن خودی و غیر خودی کنفرانسی که قرار بود برای عموم باشد به جلسه ای خصوصی برای خوبیهای جمهوری اسلامی، سبز و سیاه، تبدیل شد. در بیرون از سالن، حکمتیست ها با تعدادی از خبرنگاران محلی در مورد این حرکت مصاحبه کردند. با تعداد زیادی از دانشجویان در محل، به بحث و روشنگری پرداختند. کنفرانس اصلی در مورد واقعیات انقلاب و ماهیت جمهوری اسلامی در خارج سالن برگزار شد.

ما یکبار دیگر اعلام کردیم که مبارزه در ایران و در خارج کشور به جناحهای سبز و سیاه جمهوری اسلامی خلاصه نمیشود. کارگران، کمونیستها، زنان و جوانانی که خواهان برچیده شدن کلیت رژیم اسلامی اند یک طرف اصلی جدال هستند که مستقل از جناحهای سبز و سیاه حکومت در صفا مستقل و با اهدافی روشن و رادیكال به میدان میآیند.

جمهوری اسلامی و عناصرش در خارج کشور بدانند که هر ابراز وجودی برای دفاع از جمهوری اسلامی با مقابله جدی ما روبرو خواهد شد. تشکیلات خارج حزب حکمتیست همراه آزادیخواهان جلوی ابراز وجود نمایندگان و عوامل و سخنگویان جمهوری اسلامی را در خارج میگیرید.

تشکیلات بریتانیا حزب حکمتیست

۱۱ فوریه ۲۰۱۰

برادران، تیراندازی. نکنید

برادران بسیج و پاسدار مسلح شان. آخر مگر نه همه برادرند و هم وطن و ملت!

این اولین بار نیست که بورژوازی و روشنفکران نوکر و نان به نرخ روز خورشان، تحت عنوان هم وطن، ملت و برادر و خواهر، خاک به چشم طبقه کارگر و مردم زحمتکش می پاشند. کارگر "هم وطن" می بایست برای عزت و سربلندی وطن بجنگد، تولید کند، گرسنگی بکشد تا بورژوازی هم وطن بتواند سود ببرد و حکومت کند.

بورژوازی و نوکرانشان تقسیم واقعی، عینی و اجتماعی انسان زیر لحاف می کنند و حرف از طبقات و مبارزه طبقاتی را خشونت، تبلیغ خشونت می دانند. این ها می خواهند دشمنی طبقاتی بورژوازی و کارگران را زیر لوی ملت، وطن و برادران و خواهران ایرانی پنهان کنند، تا همگان در صلح و صفا با هم زندگی کنند و هر کس به سهم خود راضی باشد. سهم بورژوازی و سرمایه داران و خدامان شان را خدا داده است و سهم بردگان مزدی و زنان اسیر آپارتاید و جوانان محروم از رفاهیات و خوشبختی را هم خدا تعیین کرده است.

اما خاتم عبادی خیلی محترم! هم شما و هم کل بورژواهای ریز و درشت در حاکمیت و در اپوزیسیون تان خوب می فهمید که جوامع بشری امروز از این سر تا آن سر کره خاکی به طبقات تقسیم شده اند. و طبقه شما این تقسیم بندی را درست کرده است. به این معنی در نیای سرمایه داری و برده داری نوین، انسان طبقاتی است، منافع انسان ها طبقاتی است، حقوق بشر طبقاتی است. تبعیض و آپارتاید جنسی، در خدمت طبقه معینی است. وجدان طبقاتی است. وجدان سرمایه دار و دولتش، وجدان حفظ سرمایه و سود است، ولو در این راه میلیون میلیون کارگر، زحمتکش، جوان و زن، بیکار و بی مزد و فقیر و گرسنه و بی مسکن و تن فروش و معتاد و محروم از رفاهیات و نعمتی باشند که خود تولید کرده اند.

سرکوبگری و جنایتکاری بورژوازی حاکم ایران را خشونت نامین، اصطلاح حقوق بشرچی های خود بورژوازی است. از نظر این ها اعدام و کشتن در خیابان ها و زندان و شکنجه و تجاوز و هتک حرمت انسان ها از جانب این طبقه ناشراقمند همان اندازه خشونت است که سنگ پراکنی جوانان، لاستیک آتش زدن در خیابان ها و یا کتک کاری تفنگ چی ها و باتوم به دستان بسیج و لیاث شخصی

ها و بطور کلی مقاومت و دفاع از خود مردم در مقابل جنایتکاران. این خصوصیت حقوق بشری بورژوازی است. شما اگر سنگ پرتاب کردید حاکمیت، مشروعیت و قوانین بورژوازی را نقض و خشونت کردید. و اوهم اگر به شما تیراندازی کرد خشونت کرده و البته قانون را اجرا کرده است! حتی زمانی که نوبت طبقه کارگر است، سرکوبگری و جنایت بورژوازی، خشونت هم به حساب نمی آید. کل بورژوازی ایران از سیاه و سبز و غیره، سه دهه است طبقه کارگر را سرکوب می کنند، به جبهه های جنگ می کشانند، بیکار می کنند، خود و خانواده هایشان را فقیر و گرسنه نگه می دارند. حتی وقتی همین دستمزدهای ناچیزشان را که ۶ ماه ۶ ماه به تعویق می اندازند، می طلبند آنها را به گلوله می بندند. کارگران خاتون اباد را که فقط دستمزدشان را می خواستند، در حاکمیت همین حقوق بشری ها و اصلاح طلبان و سبزه های امروز به گلوله بستند. خاتم عبادی! حقوق بشرتان آن روز کجا بود!

هر بار این واعظین نا محترم و خیل روشنفکران نان به نرخ روز خور بورژوازی دهان باز کردند و از ملت و برادر و خواهر هم وطن و حقوق بشر و صلح و آشتی و خشونت و از این چرنیبات حرف زدند، باید گفت خفه شوید، شرم کنید! حقوق بشر، صلح، وجدان و انسانیت طبقاتی است. ترس و نفرت شما از میلیتانت بودن جوانان در خیابان ها هم طبقاتی است. آب همه شما ها به يك جوی می رود. سرچشمه قدرت، رفاه، ثروت و سرمایه و حاکمیت طبقاتی تان، "اصل جمهوری اسلامی، نه يك کلمه کم و نه يك کلمه زیاد" و "قانون اساسی" آن است. شما سبز ها از جوانان میلیتانتی که متأسفانه جسارتشان را فدای منافع سیاسی و اقتصادی جناحی از بورژوازی و جمهوری اسلامی و شما روشنفکران و دوستان دروغین مردم کردند، بیشتر از جنایت و سرکوبگریهای برادران هم وطن تان در حاکمیت، می ترسید.

اما طبقه کارگر، توده های زحمتکش و حقوق بگیر و جوانان و زنان اسیر آپارتاید جنسی همیشه به میلیتانتی نیاز دارند. این جسارت، میلیتانتی و رادیکالیسم در يك صف طبقاتی مستقل از بورژوازی برای در هم شکستن کل ارکان سرمایه داری و نهادهای سرکوب آن، حیاتی است. بدون يك مبارزه رادیكال و میلیتانت علیه بورژوازی، سرنگونی جمهوری اسلامی ویر فراری جامعه ای آزاد و برابر غیر ممکن است.

کمپینی در حمایت....

فلسطین، بحرین، یمن، کویت، عربستان سعودی، لبنان، اسرائیل، بلغارستان، سوئد، فرانسه، آلمان، کاتادا، انگلستان، استرالیا، دانمارک، نروژ، امریکا، هلند، روسیه، سوئیس، چکوسلواکی و فنلاند، امضا شده است.

"کمپین ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی" ضمن قردانی از این اقدام مهم، همه نیروهای مسئول و همه انستاهای آزادیخواه و مترقی را به اعتراض علیه اقدام تروریستی جمهوری اسلامی و همکاری اینترنتی فرامیخواند.

کمپین ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی

۲۳ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۲ فوریه ۲۰۱۰

جلسه بحث و تبادل نظر در

رابطه با توطئه تروریستی

جمهوری اسلامی

کمپین علیه توطئه تروریستی جمهوری اسلامی و همکاری اینترنتی در یک ماه و نیم گذشته ادامه داشته است. تا کنون در رسوایی جمهوری اسلامی و افشای این توطئه موفقیت و دستاوردهایی حاصل شده است. اما تا رسیدن به هدف اصلی یعنی پس زدن دسیسه های رژیم ایران علیه اپوزیسیون سیاسی و حذف لسیت اینترنتی، کارهای بسیار دیگری باید در دستور گذاشت. در رابطه با ماهیت این توطئه، اقدامات و اطلاعات مربوط به این مسئله و چگونگی ادامه آن، خصوصا تا آنجا که به کشور سوئد بر می گردد، ترتیب جلسه ای در شهر استکهلم داده شده است.

در این جلسه مظفر محمدی، رحمان حسین زاده و رسول بناوند از شخصیتهای مورد اتهام پرونده تروریستی شرکت خواهند داشت.

ما همه مردم آزادیخواه، جریانات و شخصیتهای سیاسی را به این جلسه دعوت می کنیم.

زمان: یکشنبه ۱۴ فوریه ساعت ۱ بعد از ظهر

مکان: Medborgarplatsen 4-4tr

تلفن تماس:

رسول بناوند ۰۷۶۸۵۷۳۱۹۲

حسام منتظری ۰۷۳۷۳۲۰۴۶۰

کمپین ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

۲۲ بهمن ۸۸ و

و فعالینش در ایران و خارج کشور خود و توده ها را به چه امری فرامیخوانند؟ ۲۲ بهمن ۸۸ را قرار است جناح های سیاه و سبز جمهوری اسلامی برای تحکیم پایه های نظام سرمایه داری شان حتی بصورت مشترک برپا کنند، این چپ به چه کاری غیر از این مشغول است؟ باز هم در تلاش برای سرخ کردن عاشرای دیگری است؟ خودش روز و مناسبت ندارد؟ چپ و کوهی از ادبیتش همراه با بالا رفتن ضربان قلب و فشار خون سبز شده اش، البته که علیه ما کارگران و کمونیستهایی که همراه این قافله نیستند، فعال است. این طیف رنگارنگ چپ در ابعاد وسیعتری باز هم در رکاب این جنبش و در ادامه "عاشرای سرخ" قرار است این بار ۲۲ بهمن سرخ" داشته باشند؟

به ما ابراد میگیرند که ما توده های رادیکال و انقلابی را به خانه هایشان میفرستیم و مانند آنها فعالیتی برای همراه شدن با قس و عاشرای و نماز جمعه و در ادامه برای ۲۲ بهمن انجام نمیدهم. معلوم نیست که اگر ما "کسی" نیستیم یا توده ها تحت تاثیر سخن و کار ما نیستند که متأسفانه هنوز نیستند، چرا به جای تمرکز به کاری که مشغول آن هستند به ما می تازند؟ مساله اصلی این است که این چپ، توده ها و خیابانی که خود سازمان نداده است و ایجاد نکرده است را میخواهد نونگشویی صاحب شود. توده هایی را که ما به خیابان نیلورده ایم چگونه با فراخوان ما و شما به خانه هایشان بر میگردند. توده هایی که در هشت ماه گذشته در خیابان بود ه اند با کدام فراخوان ما و شما کاری کرده اند؟ شما با روند اوضاع بود ه اید و ما کمونیستها فعالانه کوشیده ایم تا حقیقت را به کارگران و توده تحت ستم بگوئیم. هژمونی در میان توده ها و در خیابان دست ما و شما نبوده است و در دستان جنبش سبز و رهبران آن بوده است. برای ۲۲ بهمن هم شما راه خود را دنبال کرده اید و ما هم راه خود را. چپ و کمونیسم بورژوایی کاری به جز آنچه در هشت ماه گذشته انجام داده است ندارد و توده ها را همچنان لایق این میدانند که سیاهی لشکر جنبش ارتجاعی سرمایه داران سبز شوند. و اگر به کمونیستها و توده مردم هم گفته میشود کار دیگری برای جنبش آزادیخواهانه و راه دیگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی هست که باید انجام داد، معنایش نزد این چپ انفعال و خانه نشینی است.

فریب بزرگ این چپ این است که میدانند میوه افتاده از درخت این جنبش و

این همه فداکاری و قهرمانی توده ها دست چه کسانی خواهد افتاد. میدانند که این چپ نیست که این را صاحب است. این چپ حداقل این را میدانند که در شرایط فعلی چپ و کمونیستها سازمان و تشکیلاتش را ندارند و دست آنها نخواهد افتاد. اگر این چنین است، که فکر نمیکنم کسی این واقعیت را انکار کند، آنوقت باید گفت که این جنبش مادام از آن شما نیست، و تا زمانی که شما سازمانده و رهبرش نیستید مال شما نیست، حتی اگر خونین تر هم بشود.

میگویند توده ها هستند که موسوی و کروی را رهبری میکنند!! این تئوری "انقلاب" حزب کمونیست کارگری و همه چپ های خلقی و ناسیونالیست است که اکنون همه گیر شده است. شعارها و تاکتیک های مناسب و "انسانی" و "تان" و "مسکن" به جای آزادی و برابری هم برایش درست شد تا انقلاب را بیشتر به حرکت در آورد. پاداشتهای هیروئی انقلابشان هم سر کوتاه آمدن ندارد! اینها ادامه منطقی درگیر نشدن و کشتی نگرقتن با موسوی در فاز اول انقلاب بود که اینک در ۲۲ بهمن منتظر لحظات آزادی و برابری هستند!

چیزی که این چپ نمیگوید این است که این آنها هستند که تحت رهبری این توده مردم قرار دارند و نه موسوی و کروی. آنها هستند که بنیال توده ها سازماندهی و رهبری و هدایت کرده است؟ توده مردمی که سازمان و رهبری مستقلی از سبز ندارند چگونه رهبری شده اند؟ آنها خود رهبرند؟ همه رهبرند؟ همه هژمونی دارند؟ نه اینطور نیست و بار دیگر داستان انقلاب ۵۷ است که تکرار میشود و این بار بسیار آگاهانه همانطور که بارها این را گفته ایم چپ خلقی سرنگونی طلبی اش و سوسیالیسمش را در جنبش تحت رهبری و هژمونی سبز یافته است. این اصل مساله است که تحت عنوان همراه با توده ها پنهان میکند تا امر خود را همراه با این توده و مردم، که از رفسنجانی و صناعی و موسوی و کروی تا تمام صاحبین صنایع و تجار سبز و دهقانان و کارگران و جوانان و زنان را شامل میشود دنبال کنند. این عمق عملکرد و سیاست چپ ناسیونالیست و خلق گرای ما را عیان میکند.

برخلاف خود فریبی و عوامفریبی رایج در چپ، جنبش هشت ماه گذشته سبز، بسیار آگاهانه بوده است. آگاهانه قدم هایش را سازمان داده است، توده مردم در "انتخابات" به موسوی و احمدی نژاد رای دادند، در اعتراض به انتخابی

که جلویشان گذاشته شده بود اعتراض موسوی و جناح دیگر سرمایه داری ایران را حمایت کردند و زیر پرچمش رژه رفتند. به نماز جمعه برده شدند، در روز قس همراه شدند، در عاشورایشان شرکت کردند و با وجود همه قهرمانی ها باز هم در همان چهارچوب و هژمونی حرکت کردند و اینک در ۲۲ بهمن این تکرار میشود. چتر جنبش سبز در همه این رویدادها بر سر توده مردم بوده است. برخورد ها خونین تر از این هم میتواند باشد و کار به سلاخی همیگر هم ممکن است بکشد، مرگ بر خامنه ای و درود بر رفسنجانی از زمزمه سبز ها به فریاد تبدیل شود و یا اینکه به سازش و توافق برسند، باز هم نشانی از بیرون رفتن توده ها از زیر این پرچم نیست. توده ها را همین رهبری میتواند به خاتمه بفرستد و در غیاب هژمونی و صف مستقل کمونیستها و کارگران و مردم انقلابی این اتفاق خواهد افتاد.

همین افق و سیاست "مردمی" و خلقی است که فلسفه وجودی این چپ را تشکیل داده است و سراسیمه به استقبال ۲۲ بهمن ۸۸ برده است و در بهترین حالت سوسیالیسم خودش را در آن جستجو میکند. باید پرسید آیا ۲۲ بهمن روزی برای بستن آوردن حقوقی است که مردم برای آن ۳۱ سال است در کشمکش هستند؟ ۳۱ سال است به خاطر آن سرکوب میشوند و توده های کارگر و ستم دیده جامعه بزرگترین ستم و محرومیت و سرکوب را چشیده اند و قرار است تغییری در این روند ایجاد شود؟ مطلقاً نه! این چپ در ادامه همان سنت ناسیونالیستی و حزب توده ای ایران است که خمینی را بردوش کشید و بر مردم تحمیل کرد. بخش بزرگی از این چپ در رکاب جنبش سبز بودند و اینک پشت "توده ها" و سرنگونی و انقلاب که جملگی آرزوهای سرکوب شده بخشی از بورژوازی ایران را در هشت ماه گذشته نمایندگی کرده اند سیر میکند. این چپ در کاری که انجام میدهد آگاه است. میدانند که کمونیستها و طبقه کارگر از لحاظ انسجام تشکیلات توده ای و حزبی اش در شرایط بسیار دشواری هستند، میدانند که بورژوازی تا توانسته است این قبیل سازمانها و فعالینش را در هم کوبیده است و طبقه کارگر را سرمایه داران کمپ های سبز و سیاه به وحشیانه ترین شیوه در همین مدت ۸ ماه چنین برابر بیشتر در اختناق قرار داده و شدت کار و استثمارش را افزایش داده است و میرود که بودجه گرداندن سیستم و زندگی سرمایه داران را برگرداند. کارگران در ابعاد بیشتری تحمیل کند. با این وجود چپ ما، تحت عنوان

فریبکارانه و توده ها، مشغول جمع کردن نیرو و فراخوان برای شرکت در صبحگاه "ارتش توده ای" موسوی در ۲۲ بهمن است. اما اگر میوه ای از این همه مبارزه توده ها و آزادیخواهی آنها نصیب خود این توده ها و کارگران نمیشود چرا این چپ سینه سپر کرده است؟ میدانند به چه کاری دست میزنند؟ ظاهراً که بسیار آگاهانه این کار را میکنند. و با شعارهای خودفریبانه مست شده اند و چشم ها را بسته و دهان باز کرده و ما کمونیستها را مورد حمله قرار میدهند. این چپ نیازی به کار مستقل از سبز ندارد. راستش نمیخواهند فراخوان مستقلی از جنبش سبز که بمناسبت های مختلف و سازمانیافته توده ها را تاکنون به خیابان آورده است بدهد، حق دارند چرا کارانجام گرفته را باید تکرار کنند. سبز فراخوان میدهد و اینها هم زیر چتر آن با مشت های گره کرده حرکت میکنند. و موسوی بنام "توده ها" بعداً بیاتیه شماره ۱۸ اش را صادر میکند! چه وقت بیاتیه شماره یک ما و توده ها صادر میشود؟ این سوال برای این چپ مطرح نیست! سوال کارگران کمونیست و همه کمونیستهاست که در ماه های گذشته راهی جز این چپ رفته اند.

کارگران باید به همه این حقایق آشنا شوند تا بتوانند قدمی مهم برای سازماندهی کمونیستی و توده ای بردارند. بدون سازماندهی کمونیستی و بدون گارد آزادی قدرت یابی و قدرت گیری در هر ابعادی و برای هر اندازه برای آزادی محال است. کارگران برای آزادی و برابری و حکومت کارگری و نجات توده تحت ستم و همه احاد جامعه مبارزه و زندگی میکنند و در برابر جناح های مختلف بورژوازی و چپ های خلقی تحت هر نامی باید واکنشینه شوند و این راهی است پیش پای کارگران و کمونیستها که با اقتدار و آگاهی به منفعت طبقاتی خود در هشت ماه گذشته طی کرده اند قرار دارد و باید قدم به قدم این را طی کرد. راه بسیار طولانی و دشواری در پیش است تا قادر به رهبری توده ها برای آزادی و برابری شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

هاله طاهری

پشت پرده "دمکراسی" در عراق: بر زنان چه میگذرد؟



حملات آمریکا احزاب ناسیونالیست کرد در ستایش بوش و سربرازنش در خلیجانبها به رژه و پیکوبی میرفتند، بوش ناجی و قهرمانشان شد. نهایتاً از کیسه آمریکا هم اندک امکانات مالی سرازیر شد که سران کرد را تاجر و معازه دارکرد. اما سهم مردم چیزی بغیر از وحشت و بمبگذاری هر روزه، غارت مردم، قحطی و ویرانگی نبود. تن فروشی زنان ناتی که شوهرانشان را در جنگ از دست داده بودند، تجاوز، سر بریدن زنان و قتل های ناموسی از هر نوره دیگری بیشتر و بیشتر شد. هر قبیله و مسلک مذهبی و عشیره مرتجعی مسلح شدند و برای خود منطقه ای را زیر کنترل گرفتند. لایحه خانواده و قانون مجازات علیه زنان در قانون اساسی به میل سران شیعه و سنی و مسابقه بر سر سهم مسلمان خواهی سراسر علیه موجودیت زن گردید.

زمانی زنان در عراق از حداقل مننیت بهره مند بودند. به دانشگاه میرفتند و تدریس میکردند، پوشش آزاد داشتند. امروز اما صدای نفس آنها را در پیستوی خانه ها به گلوله میندند. عکس زنان، صورت و حضورشان ممنوع است و حضورشان در جامعه، آنجا هم که میخواهند به خود جرات دهند و یا کاندید شوند مانند این پوستر به یک مضحکه تبدیل میگردد: زنی که قرار است از حق شهروندان دفاع کند خود از ابتدایی ترین حق محروم است وای به حال روزی که جرات کند از حق زن دفاع کند.

شوهران و پدرانشان در بیرون پرسه میزنند و یا مشغول بکارند. اگر دولت و قانون سر وقت به حساب شان نرسد دستجات اسلامی با قمه و شمشیر احکام اسلامی را در خانه یا ملع عام به اجرا در میآورند. در این جهنم به هیچ کس رحم نمیشود.

شاید هیچ جایی امروز باندازه عراق و نمونه بعدی آن افغانستان به فلاکت و ناامنی دچار نشده و میدان جنگ کاتگسترهای وحشی مانند جیش المهدی و القاعده و طالبان نگردیده است. نام این وضعیت جهنمی برای مردم عراق در تقسیم مجدد جهان و در ویکی پدیا "دمکراسی" است. با "دمکراسی" آمریکا و متحدانش است. تنها نیروی تحمیلی آمریکا و شرکا، که برای تحمیل آن از هیچ جنایتی دریغ نکردند، حق زنان در عراق همانی شد که روسای قبایل شیعه و سنی آرزویش را میگردند. فقر، گرسنگی، تجاوز و نا امنی ظاهراً حق مردم شد. اوایل

اشتباه نمیبینید! این پوستر متعلق به خاتم ثنی رزاق نعمان السلطانی است که در انتخابات پارلمانی ۳۰ ژانویه امسال به خود جرات داده و کاندید شد. عکس روی پوستر شوهر این خاتم است و بقیه اطلاعات روی پوستر مربوط به بستگان اوست که چنین آمده: "به کسی که از خونتان است و برای شماسات رای بدهید، (مادر سجاد)، همسر احمد شیخ جاسم الکتانی، خواهر شتیق الشیخ مالک الکتانی، گروه پاکي و راستی (۲۷۲) شماره ۲۴".

کلبوسی به نام جنگ و تروریسم زندگی شب و روز مردم در عراق را میسازد. از طرفی قدری آمریکا و متحدانش و از طرف دیگر وحشی گری جریانات ناسیونالیستی عربی و اسلام سیاسی یک جهنم کامل برای مردم در عراق آفریده اند. عراق امروز شباهت بسیاری به صحنه های تراژیک جنگ های جهانی دارد. سرتاسر این سرزمین ویرانه ای بیش نیست. مقوله ای به نام مننیت و امنیت در این کشور وجود ندارد. اگر شناس داشته باشید و مرد باثبید میتوانید از خانه خارج شوید اما تضمینی برای امنیت تان در طول روز نیست. اگر زن باثبید که صد بار بیشتر در معرض ناامنی، تهدید، بی حرمتی و تجاوز هستید. بجرم زن بودن، همین که پلایت را روی زمین سفت میگذارید و هوا را استنشاق میکنید مجرم هستید. مورد توهین قرار میگیرید و هر آن ممکن است به هر بهانه ای احکام اسلامی و نظامی را بارتان کنند و جانتان به خطر بیفتد. وای به حال زنی که حجاب ندارند و یا بدون اجازه

شهرام همایون به لیست تحت تعقیب

تورسیم اسلامی اضافه شد

دامنه توطئه های تروریستی جمهوری اسلامی در خارج کشور وسعت می یابد. اخیراً جمهوری اسلامی موفق شد اسم شهرام همایون مدیر مسئول تلویزیون کنال یک و از مخالفان سیاسی خود را نیز در لیست تحت تعقیب (Wanted) اینترنل قرار دهد. قبلاً جمهوری اسلامی اقدام به معرفی ۱۲ نفر از فعالین و رهبران سرشناس سیاسی اپوزیسیون به عنوان تروریست و باند مجرمین سازمان یافته (Organized Crime) به اینترنل کرد که همگی از حزب حکمتیست بودند.

ما همان وقت به همه نیروهای مسئول و همه مخالفین جمهوری اسلامی هشدار دادیم، گفتیم که این اقدام علیه کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی است. اعلام کردیم که توطئه ای جدی علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی با هدف جنایتی کردن فعالیت سیاسی علیه جمهوری اسلامی در جریان است. اضافه شدن شهرام همایون به این لیست بار دیگر اهمیت هشدار ما و ضرورت اقدامی جدی علیه توطئه تروریستی جمهوری اسلامی را نشان میدهد.

جمهوری اسلامی در این دوره به جای ارسال تیمهای شناسیاتی و ترور مخالفین خود در خارج کشور از اینترنل (پلیس بین المللی) و پلیس همه کشورهای عضو این نهاد استفاده کرده است. همکاری اینترنل با جمهوری اسلامی عملاً پای تروریسم دولتی ایران به خارج را باز کرده و به قابلیت های جنایت کارانه این رژیم میدان بیشتری داده است.

این اقدام جمهوری اسلامی در خارج کشور را به کمک پلیس بین المللی جنایتی کنند. ما همه احزاب سیاسی ایرانی و غیر ایرانی، نهاد های بین المللی، اتحادیه های کارگری، کانون ها و بنیاد های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مردم در اروپا و آمریکا، میبای ایرانی و غیر ایرانی و بالاخره شخصیت های سیاسی

به جمهوری اسلامی و اینترنل جلب کنیم. **حزب کمونیست کارگری - حکمتیست**
۲۲ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۱ فوریه ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید